

نگاهی به

مقتل الحسین (ع)

به روایت شیخ صدوق

◀ محمد صحتی سردرودی

صاحب این قلم، افزون بر کارهای پراکنده ای که درباره امام حسین (ع) و عاشورا منتشر کرده، این اثر سومین کار مفصلی است که از او درباره عاشورا به سامان رسیده است. هدف ما در این تحقیق آن است که

آب را از سرچشمه برگیریم؛ چرا که این آب زلال، هرچه در بستر زمان جاری تر شده و به پایین تر غلتیده، گل آلوده تر گشته است، تا آن جا که به صراحت و تأسف، می توان گفت بیش تر کتاب هایی که نام امام حسین (ع) را به خود نهاده اند، بیش از «مقتل حسین» عنوان «قاتل حسین» را سزاوارند، تا جایی که با اندک درنگی در

برخی از آنها مظلومیت مستمر حسین (ع) دیدگان را در اشک می نشاند و قلب را در اندوه این غم می فشارد که:

بس که بستند بر او برگ و ساز
گر تو ببینی شناسایش باز

هدف پژوهش

چنان که هر پژوهشی در پی پاسخی یا پاسخ هایی برای پرسشی یا پرسش هایی است، این پژوهش نیز در پی آن است که به پرسش هایی پاسخ دهد:

۱. آیا مقتل امام حسین (ع)، جز روایت «ابو مخنف» - که آن هم تنها توسط یک



تاریخ نگار غیر شیعی، یعنی مورخ بزرگ اسلام، ابو جعفر طبری نقل شده و به دست ما رسیده است - روایت دیگری ندارد؟

۲. آیا گزارش مدون فاجعه کربلا از طریق دانشوران شیعه، منحصر به دو کتاب المکھوف از سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق) و مؤثر الاحزان از «ابن نمای حلی» (م ۶۴۵ق) است که پس از گذشت شش سده از تاریخ عاشورا آن را نقل کرده اند؟^۱

۳. اگر کسی بخواهد وقایع و حوادث عاشورا را به نقل از دانشوران شیعی پی گیرد، باید آن را در آثاری چون ارشاد شیخ مفید یا مناقب ابن شهر آشوب و روضة الواعظین فتال نیشابوری جست جو کند؟ در حالی که قسمت مقتل از کتاب الإرشاد به صورت مختصر بیان شده و تنها مستند به اقوال کلبی و مدائنی است و اقوال آن دو، با این که یکی غیر شیعه است، از هم تفکیک نشده است،^۲ و دو مقتل دیگر (مقتل مناقب و روضة الواعظین) افزون بر این که هر دو مربوط به قرن ششم و متأخر از حادثه عاشورا هستند، بسیار آشفته، مختصر و غیر مستند هستند.

۴. آیا در عصر تدوین اصول و میراث شیعی، مقتل امام حسین (ع) به صورت ماثور و منقول از امامان معصوم (ع)، توسط محدثان و راویان متقدم و راستین شیعه تدوین نشده بود؟

۵. و اینک قرائت یا قرائت های متداول و مرسوم از عاشورا، با قرائت های نخستین و ماثور آن، چه تفاوت یا تفاوت هایی - بلکه چه تعارض هایی - دارد؟

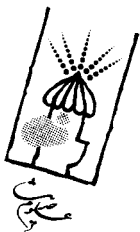
مقتلی را که شیخ صدوق روایت می کند، بی گمان می تواند به پرسش های مطرح شده و حتی به ده ها پرسش دیگر درباره زندگی و مقتل امام حسین (ع) پاسخ گوید.

اشارتی به جایگاه شیخ صدوق و آثارش

در جلالت قدر ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق و ابن بابویه (م ۳۸۱ق) همین بس که شیخ الطائفه او را با واژگانی چون «فقیه» و «عمادالدین»

۱. سید ابن طاووس، شاگرد ابن نمای حلی بوده و هر دو در قرن هفتم هجری می زیسته اند.

۲. لؤلؤ و مرجان، ص ۱۷۸.



شاخصه‌های مقتل شیخ صدوق

در میان کتاب‌های منتشر نشده شیخ صدوق، کتابی نیز به نام *مقتل الحسین (ع)* نام برده شده است.^۷ او خود در ضمن برخی از آثار منتشر شده اش از این کتاب نام برده و به آن ارجاع داده است. یک بار در فصل حج و باب زیارات کتاب من لا

۳. الاستبصار، ص ۳۲۶ و ۳۳۲.

۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۶۵، به نقل از: *فلاح السائل*، سید ابن طاووس، ص ۱۱ و نیز، *فرج المهموم*، ص ۱۲۹.

۵. *مستدرک الوسائل*، محدث نوری، ج ۲۲ (خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴)، ص ۵ به نقل از: *رجال السيد بحر العلوم*، ج ۳، ص ۲۹۹؛ *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ص ۶۵، مقاله «ابن بابویه».

۶. ر. ک: *رجال*، النجاشی، ص ۳۹۲-۳۸۹ و *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ص ۶۶-۶۲؛ *مستدرک الوسائل* (خاتمه)، ج ۲۱، ص ۲۶۵-۲۵۷ و ج ۲۲، ص ۵؛ *قاموس الرجال*، محقق شوشتری، ج ۹، ص ۴۳۷-۴۳۴ و همان، چاپ قدیم، ج ۱۱، *رسالة في سهو النبي (ص)*، ص ۸ و مقدمات آثار منتشر شده شیخ صدوق.

۷. *الفهرست*، شیخ طوسی، ص ۱۵۶، شماره ۶۹۵؛ *معالم العلماء*، ابن شهر آشوب، ص ۱۱۱، شماره ۷۶۴.

وصف کرده است.^۳ از او در میان خواص، چنان به توثیق و تکریم یاد شده که در سلسله عالمان و دانشوران و نویسندگان شیعه، به سختی می‌توان برای او همانند یافت. او از زمان ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ ق)، و پس از او پیوسته در اصطلاح دانشوران شیعی با شهرت «شیخ صدوق»، یعنی روایتگری بزرگ و بسیار درست و راستگو، شناخته شده است و همین شهرت، برای فهم بزرگی مقام او کافی است. از سید ابن طاووس نقل شده که درباره او گفته است: «در مورد علم و عدالت وی اتفاق نظر وجود دارد».^۴ وی تا جایی مورد قبول علمای شیعه قرار گرفته که روایات مرسل او را در حکم مسند دانسته‌اند. نیز روایات کتاب من لا يحضره الفقيه او (یکی از کُتُب اربعه شیعه) به اجماع علمای شیعه، در شمار روایت‌های صحیح گنجانده شده است.^۵

شیخ صدوق نزدیک به دوست و پنجاه کتاب نوشته بود که اینک فقط چهارده کتاب و رساله از او بر جای مانده و منتشر شده است.^۶



یحضره الفقیه می نویسد:

من در کتاب الزیارات و در کتاب
مقتل الحسین (ع) انواعی از زیارت ها
را آورده ام.^۸

یک بار دیگر نیز در کتاب الخصال
«باب الاثنین» ذیل حدیث ۱۰۱ می نویسد:

این حدیث، طولانی و مفصل است
و ما قسمتی از آن را که در این جا
نیاز داشتیم، نقل کردیم. البته من
همه حدیث را همراه با احادیث دیگری
که در برتری های عباس بن علی (ع)
روایت می کنم، تخریج کرده و در
کتاب مقتل الحسین بن علی (ع)

آورده ام.^۹

این مقتل، دارای مزیت های مهمی
است که ما در این جا به برخی از آنها
اشاراتی می کنیم و تفصیل و تحقیق بیشتر
را به جست و جو در متن کتاب وامی گذاریم:

۱. عمده مطالب این مقتل - که
حدوداً نود درصد آن را تشکیل می دهد -
از احادیث و اخبار ماثوری است، که از
پیشوایان پاک دینی و چهارده معصوم (ع)،
به ویژه امام سجاد (ع) امام صادق (ع) و
امام رضا (ع) نقل شده است.

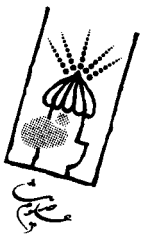
۲. همه اخبار و احادیث این مقتل به
صورت مستند و با ثبت دقیق اسناد و
سلسله راویان، نقل شده است البته ما به
ذکر اسامی مقدس معصومان (ع)، که گاه
روایتی را نسل در نسل از یکدیگر نقل
کرده اند و همچنین نام نزدیک ترین راوی
- یعنی کسی که سخن را از گوینده اصلی
یا امام معصوم (ع) شنیده است - بسنده
کرده ایم، زیرا با ذکر منابع و مآخذ در
پاورقی ها نیاز به این کار دیده نشد. افزون
بر این، معنن نویسی در صدر احادیث و
اخبار موجب خستگی خواننده فارسی زبان
می شود.

۳. این مقتل، از لحاظ زمانی به عصر
عصمت و زمان حضور امام معصوم (ع)
نزدیک است، گاه به واسطه پدر و دو - سه
واسطه دیگر که همگی شناخته شده و
موثق هستند، به اصل سخن و منبع نور و
عصمت می رسد. مقتل او از این نظر
نیز، بی مانند و بی نظیر است.

۴. این کتاب از پیشداوری ها و
ارزشگذاری های عقیدتی و سیاسی نویسی،

۸. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۸.

۹. الخصال، ص ۶۸.



آن جا ماورای طبیعت و عادت است که گاهی منقولات، کاملاً اسطوره‌ای می‌نماید. این قرائت را در سه محور می‌توان خلاصه کرد: ۱. «امتناع و فرار از بیعت»؛ ۲. «شهادت»؛ ۳. «مظلومیّت تکان دهنده و بیداری بخش، همراه با معصومیت و صمیمیت مجذوب کننده و ایمان آفرین» که این هر سه محور، از رفتار و کردار و گفتار امام حسین (ع) همیشه و در همه جا به وضوح پیدا است.

چکیده‌ای از مقتل الحسین

کتاب مقتل الحسین (ع) در نه فصل و به ترتیب تاریخی و این چنین تنظیم و تالیف شده است که اینک به اشارت‌هایی چکیده آن نوشته می‌شود که صد البته تحقیق و تفصیل را در متن مقتل باید پی گرفت.

فصل نخست، به زندگانی امام حسین (ع) در روزگار پیامبر (ص) می‌پردازد: از «روایت رؤیای أم ایمن»، «مولود پاکیزه»، «قصه فطرس»، «مراسم نام‌گذاری» تا «روزه

۱۰. مقتل الحسین (ع)، محمد صحتی سردودی، به روایت شیخ صدوق، ص ۳۲۰، ۱۵۶، ۱۱۱، تهران: نشر هستی‌نما، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

کاملاً خالص و خالی است. از آن جا که شیخ صدوق در آثارش تنها به آوردن متن احادیث و اخبار بسنده کرده و حتی عناوین فصول و ابواب را از متن روایات برگزیده است، مقتلش بیش از هر چیز، به اصول اعطایی پیشوایان معصوم مبتنی است. به لحاظ نزدیکی این مقتل به عصر عصمت و زمان حضور، تحلیل‌های تحمیلی و ابزار انگارانه، به آن راه نیافته است.

قرائت شیخ صدوق از قیام عاشورا

قرائت شیخ صدوق از عاشورا کاملاً دینی و الهی است. در زبان شیخ صدوق، پیوسته سخن از خدا، فرشتگان، پریان، روز رستاخیز، آسمان‌ها و عرش، جهان آخرت، معجزه، وحی و الهام، اخبار غیبی، ایمان و اعتقاد، انبیا و اولیای الهی، جاری است.

در این نگرش، وقایع و حوادث بیش‌تر از آن‌که رنگ خاکی و مادی داشته باشد صبغه‌ی خدایی و دینی دارد و عجیب این‌که کشتندگان امام حسین (ع) نیز دم از دین می‌زنند و او را برای خدا و به اصطلاح «قربة‌ی الی‌الله می‌کشند»^{۱۱} برخی وقایع تا



گرفتن و ایثار در کودکی» و بالاخره «امام حسن و حسین (ع) از زبان رسول خدا(ص)» را به روایت می‌نشینند. و در ضمن از حدیث بسیار معروفی که می‌گوید: «حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات است» غبارزدائی می‌کند و متن دقیق و درست حدیث را که منبع و مأخذ اصلی آن، همین مقتل الحسین(ع) است به دست می‌دهد که پیام آور اسلام(ص) گفت:

... ، سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخته، به راستی که حسین بن علی، در آسمان بزرگ‌تر از آن است که در زمین شناخته می‌شود. هر آینه بر سمت راست عرش خدای عزوجل نوشته شده است: حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات؛^{۱۱} پیشوای نیکی و برکت؛ و عزت و افتخار؛ و دریای دانش و گنجی است که بر آینده اندوخته شده است، ...^{۱۲}

فصل دوم، «اخبار آسمانی و پیش‌گویی از شهادت امام حسین(ع) را دربر می‌گیرد که در آن پیش‌گویی‌های پیامبر(ص)، امام علی(ع)، امام حسن(ع) و دیگران

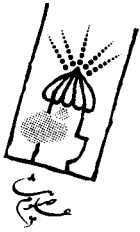
نقل می‌شود و با «حدیث صحیفه آسمانی» پایان می‌یابد.

فصل سوم، با عنوان «در مسیر شهادت» کاروان پیشوای شهیدان را همگام با تاریخ - از مدینه تا کربلا و عاشورا - روایت می‌کند که برخی از مطالب آن عبارت است از: «امتناع از بیعت»؛ «رویارویی با حر بن یزید ریاحی»؛ «در منزل فُطْقَطانه» و «قصر بنی مقاتل»؛ «ورود به کربلا»؛ «شب و صبح عاشورا»؛ «سخنی از بریر همدانی» و «توبه حر ریاحی».

و سپس به ترتیب از شهادت بعضی شهیدان سخن گفته می‌شود که این چنین نام دارند: زهیر بن قین؛ حبیب بن مظاهر؛ عبدالله بن ابی عروه غفاری؛ بریر بن خضیر همدانی؛ ابوالشعشای کندی؛ عبدالله بن عمیر؛ نافع بن هلال؛ عبدالله بن مسلم؛ علی اکبر و قاسم بن حسن(ع).

۱۱. «... ، مصباح هادٍ و سفینه نجاه...» و در نقلی دیگر: «مصباح هدی و سفینه نجاه...» که در پی نوشت پنجم فصل اول چگونگی را بررسی کرده‌ایم.

۱۲. مقتل الحسین(ع)، محمد صحتی سردرودی، به روایت شیخ صدوق، ص ۷۱-۷۰ و ۸۱ - ۸۰.



تاراج بردا - بررسی شده تا دروغ و جعلی بودن آن معلوم گردد. ۱۳

فصل پنجم، اخبار عاشورا را «پس از شهادت» تعقیب می کند و در آن از مباحث چندی سخن می رود که از آنها است: «گریه آسمان»؛ «سوگواری پریان»؛ «فرایند فاجعه»؛ «مجلس ابن زیاد» و «یزید بن معاویه»؛ «در زندان شام» و «سرگذشت پسران مسلم».

فصل ششم، احادیث و روایت های مربوط به عزاداری امام حسین (ع) را شامل می شود که از سرفصل های آن است: «گریه بر ذبیح الله»؛ «امام حسین (ع) اسوه رسولان»؛ «أنا قتل العبرة»؛ «شعر خوانی در رثای سرور آزادگان»؛ «مُحَبَّانِ امام حسین (ع)»؛ «پاداش گریه»؛ «تشنگی و یاد امام حسین (ع)» و «امام سجّاد (ع) پیشوا و پیام آور عاشورا».

فصل هفتم اخبار و احادیثی را که درباره زیارت امام حسین (ع) وارد شده است روایت می کند. از کربلا؛ فرشتگان کربلا؛ سجده با تربت و تسبیح کربلا، همان، ص ۱۹۰-۱۸۹ و ۱۷۴-۱۷۲.

پایان بخش فصل، حدیثی در حق حضرت ابوالفضل العباس است که با «وصف الحال شهیدان» به سامان می رسد. فصل چهارم، «شهادت امام حسین (ع)» را روایت می کند که در آن نخست از «شرح مرگ و اشتیاق»؛ «پیشوای شهیدان در قتلگاه»؛ «شمار زخم ها»؛ «انگشتر ...» و «وصیت امام حسین (ع)» روایت های مستند، نقل شده و پس از آن که «غارت خیمه ها به روایت فاطمه بنت الحسین» ثبت گشته است، به روایت از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) «روز عاشورا، روز عزا و ماتم» ارزیابی شده است.

در نهایت نیز عقیده غالیان که می پنداشتند امام حسین (ع) کشته نشده، بلکه چون عیسی مسیح به آسمانها برده شده است مردود دانسته شده که امام رضا (ع) با صراحت می گفت: «به خدا حسین کشته شد».

در همین فصل است که افسانه ساربان - حاکی از این که وی دستان یا انگشتان حسین را برید و کمر بند یا انگشتر را به



یاد می‌کند. ضمن آن که از «حریم مرقد مطهر» و «در قداست حرم مقدس» سخن می‌گوید، در آداب؛ پاداش‌ها؛ میقات‌ها و موقف‌های زیارت‌ها، روایت‌ها در سینه دارد که انسان را به اندیشه و پژوهش فرامی‌خواند که این همه توصیه و تشویق به زیارت و آن همه تعظیم و تکریم از مظلومیت چگونه و چرا است که ما با پی‌نوشتی در پایان فصل، تا حدودی در تفصیل و تفسیر آن کوشیده‌ایم.^{۱۴}

فصل هشتم «عاشورا و موعود منتقم» نام گرفته است که از «پیوند معصومیت؛ مظلومیت و معنویت» اشارت‌ها در اعراب احادیث و روایات نهفته دارد که باورمندان اندیشه‌ور را به درایت و دقت می‌طلبد و مظلومان را در عین این که از خشونت و خون‌ریزی به بهانه انتقام به بهای خون مظلوم امام مظلومان (ع) برحذر می‌دارد، آنان را به ظهور «منتقم موعود و معصوم» امیدوار می‌کند.

* کتاب مقتل الحسین (ع) به روایت شیخ صدوق، نزدیک به یک سال است

که منتشر شده است و اینک در این مقال، با آوردن بخشی از مقدمه آن - البته پس از بازبینی و ویرایش مجدد - گردآورنده و مصحح مقتل خود به اختصار آن را می‌شناساند و از خوانندگان مجله و زین علوم الحدیث بویژه آنان که در حوزه عاشورا پژوهی و مقتل ماثور (عاشورا در متون روایی) کار کرده‌اند انتظار دارد که مقتل الحسین (ع) را نقد و بررسی کنند و نقاط و نکات ضعف و قوت آن به صورت منصفانه، - نه با یک سونگری و تنگ‌نظرانه - نشان دهند تا در چاپ‌های بعدی به کار گرفته شود که گفته‌اند همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند. و به قول استاد محمدتقی جعفری - رحمه الله - : «تا آخرین نفر از اولاد بنی آدم از مادر زاده نشده باشد و آخرین رأی و نظر خود را نگفته باشد نمی‌توان گفت که سخن سرآمده و دیگر حرفی نیست». آری:

تا قیامت می‌توان از عشق گفت

تو مگو مضمون نابی نیست، هست